

# بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

## نقش ائمه در احیای دین

استاد راهنما: حجت الاسلام محمد احمدی

نویسنده: ابوالفضل کامران

آذر ۱۴۰۲

موسسه بیان معرفت

## چکیده:

در این مقاله به سرگذشت حدیث در دو مکتب اهل سنت و تشیع می پردازیم و بیان خواهیم کرد که نقل حدیث در دو مکتب به چه صورت بوده است و به این موضوع که مجالس تعلیم پیامبر و شاگرد گوش به فرمان ایشان که بوده است و چه میراث گران بهایی برای ما به جا گذاشته است

## مقدمه:

در این مقاله به عملکرد و روش اوصیای پیامبر در احیای سنت آن حضرت از چهار جهت بررسی خواهیم کرد

۱- پیامبر اکرم به امر پروردگار همه علوم و معارفی را که بشر برای رسیدن به کمال انسانی لازم دارد به حضرت علی و از ایشان به یازده فرزندشان تعلیم داد و به همین خاطر است که پیامبر در همه عمر مبارکشان ایشان را تحت تعلیم خاص خود قرار داده است

۲- برای حفظ دین تا قیامت .

۳- در سه قرن متوالی اوصیای پیامبر کوشیدن تا پرده تحریف را از قرآن، روایات، عقاید و احکام الهی بردارند و تبلیغ کردند این معارف را تا این علوم در دسترس تمام جهانیان قرار گیرد

## مقام اهل بیت در قرآن و سنت:

{۱} (إنما يريدُ اللهُ ليذهبَ عنكم الرِّجسَ أَهْلَ البَيْتِ و يطهرکم تطهیراً)

جز این نیست که خداوند متعال می خواهد هر گونه پلیدی و گناه را از شما اهل بیت دور کند و شما را کاملاً پاک و منزه گرداند

---

{۱} :سوره احزاب آیه ۳۳

مقام اهل بیت در سنت پیامبر :

در کتاب صحیح بخاری ذیل آیه ۵۶ سوره احزاب نقل می کند از ایو مسعود انصاری که: در مجلس سعد بن عباد بودیم که پیامبر نزد ما آمد بشیر بن سعد به حضرتش عرض کرد: خداوند فرموده به شما صلوات بفرستیم چگونه باید بر تو صلوات فرستاد؟ پیامبر فرمودند بگوئید: (اللهم صل علی محمد و آل محمد کما صلیت علی آل ابراهیم و بارک علی محمد و آل محمد کما بارکت علی آل ابراهیم فی العالمین إنک حمید مجید) {۱}

ترمذی در سنن خود می گوید: این روایت از صحابی مختلفی نقل شده است

همین طور برای تاکید روایت اول در دو کتاب الصواعق المحرقة و جواهر العقدين روایت نقل شده است از پیامبر(ص) که فرمودند: (بر من صلوات ناقص نفرستید) و عرضه داشتند ای رسول خدا صلوات ناقص چگونه است؟ فرمودند: یعنی بگویند (اللهم صل علی محمد) و سکوت کنید بلکه باید بگویید: (اللهم صل علی محمد و آل محمد)

#### سرگذشت حدیث در مکتب اهل بیت:

چنانچه می دانیم در قرآن کریم مباحث کلی و ریشه ای اسلام گفته شده است، نقل حدیث که شرح تفصیلی علوم الهیست به عهده پیامبر و مبلغان دسته اول آن موقع بوده، یکی از مبلغان دسته اول آن موقع پسر عموی پیامبر یعنی امام علی (ع) هستند پیامبر روایات و آنچه که به ایشان وحی می شد و به درد جهانیان می خورد به ایشان املا و تعلیم می فرمودند (الف) مجالس تعلیم منظم:

امام علی (ع) می فرمایند: من هر روز یک نوبت و در شب هم یک نوبت به محضر رسول خدا مشرف می شدم و ایشان با من خلوت می کردند و معمولاً این جلسات در خانه من بوده و بعضی از شب به خانه

---

{۱} صحیح بخاری: کتاب الأنبیا، باب یزفون النسلان فی المشی، ج ۳، ص ۱۵۹ و ۱۶۰

پیامبر که می رفتم در خانه که بودیم پیامبر زنانشان را به اتاقی دیگر می فرستادند تا جای ما خلوت باشد اگر من از ایشان سوالی داشتم ایشان مفصل به بنده توضیح می دادند و هر جا سوالاتم تمام می شد ایشان سر بحث را باز می کردند و توضیح میدادند آیه ای نبود که به من تعلیم نداده باشند و مسئله حرام یا حلالی نبود که به بنده توضیح ندهند {۱}

#### ب) مجالس تعلیم و دیدارهای نا منظم امام علی و رسول خدا:

در مورد (الف) گفتیم دیدارهای امام علی(ع) با پیامبر منظم و به صورت یک نوبت در روز و یک نوبت در شب بوده است حال به بررسی دیدارهای نامنظم پیامبر و امام علی(ع) در دو مکتب خواهیم پرداخت.

ترمذی نقل می کنند از جابر بن عبدالله انصاری که :

(در جنگ طائف رسول خدا علی را به حضور طلبید و با او به نجوا پرداخت مردم هم از باب سخره گیری می گفتند: در گوشی صحبت کردندش با پسر عموی علی چقدر طول کشید)

این حرف به گوش پیامبر رسید و فرمودند:

( من از پیش خودم با او نجوا نمی کنم بلکه خدا دارد با نجوا می کند)

ترمذی ذیل حدیث می نویسد که منظور از (نجوا خدا) یعنی خداوند به پیامبر امر کرده تا با او به نجوا بنشیند.

---

{۱}: الکافی: ج ۱ ص ۶۲.۶۳، وسائل الشیعه: ج ۳، ۳۹۴، ح ۱      روایت به علت طولانی بودم به صورت مختصر آورده شده است

دستور کتابت علوم به اولین وصی برای دیگر توصیای پیامبر:

در امالی شیخ طوسی روایتی آمده است که احمد فرزند امام کاظم (ع) از پدر بزرگوارشان نقل می کنند:

رسول خدا به حضرت علی فرمود:

آنچه که می گویم بنویس.

امام علی پرسیدند: ای رسول خدا می ترسید آنچه که می گوید فراموش کنم؟

پیامبر فرمودند: نه از این بیمی ندارم بلکه می خواهم این نوشته ها برای شرکایت (در امر امامت) حفظ شود

امام علی پرسیدند: شرکای من چه کسانی هستند؟

فرمودند: امامانی از نسل تو هستند که همه برکات به یمن وجو آنها نازل خواهد شد و در همان هنگام به امام حسن

اشاره کردند که اولی آنها اوست و به امام حسین اشتهر کردند که دومی و نه امام دیگر از فرزندان آن هستند {۱}

دونوع تبلیغ:

ما دونوع نحوه ابلاغ داریم:

اول: آن دسته از معارف که زمان ابلاغش فرا رسیده که این نوع ابلاغ را خود پیامبر بدون هیچ واسطه ای انجام می دادند.

دوم: آن دسته از معارفی بودند که زمان ابلاغش در زمان پیامبر فراهم نبود بلکه باید بعداً بیان می شد به همین دلیل

این دسته از معارف را پیامبر به امام علی (ع) یاد می دادند تا ایشان بعداً این معارف را

بازگو کنند.

آخرین جلسه تعلیم:

ام سلمه نقل می کنند که:

قسم به خدا که همانا علی آخرین کسی بود که با پیامبر گفتگو نمود، صیگاهی از حضرت عیادت نمودیم ایشان مرتب می پرسیدند (آیا علی آمد؟ آیا علی آمد؟) فاطمه گفت: گویا او را دنبال کاری فرستادید، مدتی بعد علی آمد و ما از خانه بیرون رفته و در درگاه بیرون خانه نشستیم من از همه به در نزدیک تر بودم و داشتم نگاه می کردم که پیامبر علی را به خود نزدیک کرد و با او به نجوا پرداخت تا اینکه بعد آن حضرت وفات یافت. {۱}

جامعه یا کتاب امام علی:

در احادیث بسیاری آمده است که امیرالمومنین کتاب هایی داشته اند یکی از آنها کتابی بود بنام (جامعه) که به املاء پیامبر(ص) و خط امام علی (ع) بوده است از این کتاب اخباری در احادیث شیعه آمده است

ابوبصیر نقل می کند روزی نزد امام صادق رسیدم و گفتم:

فدایت شوم سوالی دارم؟

امام گفت: هرچی می خواهی بپرس.

گفتم فدایت شوم شیعیان شما طبق احادیثی مدعی اند رسول خدا بابتی از علم را روی امام علی(ع) گشوده که از آن که از آن هزار باب دیگر گشوده می شود

امام پاسخ دادند: (ای ابو محمد ما جامعه ای داریم و آنها چه می دادند که جامعه چیست)

پرسیدم جمعه چیست؟ گفتند صحیفه ای به اندازه هفتاد ذراع در ذراع که پیامبر آن را املاء نموده

و امیرالمومنین آن را نوشته اند و در آن از هر حلال و حرامی گفته می شود حتی از دیه یک خراش کوچک

---

{۱}: المستدرک علی صحیحین: ج ۳، ص ۱۴، باب کان أقرب الناس عهداً برسول الله

و هر آنچه که مردم نیاز دارند سخن می گوید {۱}

کتاب امام علی در دست ائمه اهل بیت:

(۱) مواریت امام حسن و امام حسین و امام سجاد:

شیخ کلینی نقل میکند از قول سلیم بن قیس که:

من شاهد وصیت امام علی به فرزندشان امام حسن بودم ایشان پسران دیگرش مثل امام حسین و محمد بن حنیفه و دیگر بزرگان را شاهد گرفت آنگاه صلاح و کتابش را به فرزندش امام حسن داد و فرمودند: پسر من رسول خدا به من امر فرمود تا تو را بعد خودم وصی خو قرار دهم و گفتند در هنگام مرگ تو آنها را به برادرت حسین تحویل دهی و سپس آن این هارا به پسرش علی بن حسین و او نیز آنها را به پسرش محمد تحویل دهد و سلام من و رسول خدا را به او برساند {۲}

در روایتی دیگر حمران می گوید: از امام باقر در مورد صحیفه مهر موم شده ای که نزد (ام سلمه) به ودیعه نهاده بودند و مردم در باره او سخن می گفتن پرسیدم: ایشان جواب دادند:

وقی اجل رسول خدا فرا رسید علی علم و اسلحه آن حضرت و هرچه را نزد او بود به ارث برد و بعد این علم و اسلحه به امام حسن و بعد به امام حسین رسید ایشان از بیم غلبه دشمن آن ها را نزد ام سلمه ودیعه نهاد و گفتند که امام سجاد می آید و این را می گیر حمران گفت و سپس آن به امام سجاد و به شما رسید و امام گفتند آری همین طور است {۳}

---

{۱}: الکافی: ج ۱، ص ۲۳۹

{۲}: الکافی: ج ۱، ص ۲۹۷

{۳}: الکافی: ج ۱، ص ۲۳۵

۲) مواریت امامت حضرت محمد باقر(ع):

در بسیاری از کتب روایی شیعه از جمله کتاب کافی شیخ کلینی از قول عیسی بن عبدالله که او از جدش نقل می کند که:

موقعی که امام سجاد در بستر مرگ بودند که فرزندانشان گرد بستر بودند نظری کردند و خطاب به محمد بن علی (امام کاظم) کردند و گفتند که: محمد این صندوق را بگیر و ببر خانه خود

سپس حضرت فرمودند در این صندوق به هیچ وجه درهم و دینار نیست بلکه این آکنده از علوم است {۱}

۳) مواریت امامت حضرت صادق(ع):

در بصائر الدرجات از قول زراره آمده است که امام صادق فرمودند:

هنوز امام باقر حیات داشت که آن مواریت و کتب به من منتقل شده است

۴) مواریت امام موسی بن جعفر(ع):

در کتاب الغیبه نعمانی روایتی از حماد صائغ آمده که:

در آن مجلسی که که مفضل بن عمرو از امام صادق سولاتی را می پرسیدند حاضر بودم که امام کاظم (ع) وارد شدند و امام صادق رو به مفضل کردند و پرسیدند دوست داری وارث کتاب علی بعد من را بشناسی مفضل پاسخ داد بله و امام اشاره به امام کاظم کردند و فرمودند: این وارث و مالک کتاب علی است {۳}

---

{۱}: الکافی ج ۱ ، ص ۳۰۴

{۲}: بصائر الدرجات : ص ۱۵۸ تا ۱۸۶

{۳}: الغیبه ، نعمانی : ص ۱۷۷

(۵) موارث امامت امام رضا:

در کتاب کافی شریف آمده است نقل از امام کاظم (ع) که:

فرزند بزرگم علی و نیک ترین آنان دز نظر من و محبوب ترین ایشان برای من می باشد او در کنار من به کتاب جفر نگاه می کند که هیچ کس به جز پیامبر یا وصی پیامبر بر او نظر نکرده است {۱}

مراجعه امامان مکتب اهل بیت به (جامعه):

نخستین امامی که به کتاب امیر المومنین اشاره کردند امام سجاد هستند این مطلب در کتاب های حدیثی شیعه آمده است به اختصار یکی را بیان می کنیم  
از ابان بن تغلب روایت شده است که گفت:

از امام سجاد (ع) در مورد مالی وصیت شده است که بخشیده شود ولی مقدار آن معلوم نیست و همچنین مضمونی دارد (شیءٌ من مالی)

امام سجاد جواب دادند که :

در کتاب امام علی آمده است که (شیءٌ) یک شیشم حساب می شود {۲}

سرگذشت حدیث در مکتب خلفاء:

در برار همه محکم کاری هایی که در مکتب اهل بیت انجام شده در برار آن مکتب خلفا وضعیت

حدیث شان به شرح ذیل بود:

---

{۱}: الکافی: ج ۱، ص ۳۱۱

{۲}: الکافی: ج ۷، ص ۴۰، ح ۱

۱) در صد سال اول (یعنی از زمان عمر تا زمان عمر بن عبدالعزیز) کتابت حدیث ممنوع بوده است اما جناب عمر بن عبدالعزیز این امر حرام را حلال اعلام کردند و انگار نوشتن حدیث از قرن دوم شروع به کار کرد  
۲) به نظر محدثان گفتند حدیث از چهار طبقه نقل می کنند است که به شرح ذیل است:

۱ خلیفه اموی عمر می توانست حدیث را از پدرش عبدالعزیز نقل کند

۲ عبدالعزیز بن مروان از پدرش مروان بن حکم نقل کند

۳ مروان بن حکم از پدرش حکم بن ابی العاص نقل کند

۴ حکم بن ابی العاص که حضور پیامبر را درک کرده بود می توانست از پیامبر نقل کند

در این صورت که روایت ها طی صد سال فقط از زبان چهار نفر نقل می شد چقدر قابل اعتماد است؟

ذهبی و ابن کثیر از بشیر بن سعد روایت می کند که:

در روایت کردن حدیث از خدا بترسید و پرهیزکار باشید به خدا قسم من خود کسانی را دیدم که به مجلس ابوهیره می نشستند و ابوهیره و کعب الاحبار حدیث نقل می کردند سپس بر می خواستند و بیرون از مجلس روایت های نقل شده از ابوهیره را به کعب و روایت های کعب را به پیامبر نسبت داده می شود {۱}

---

{۱}: سیر اعلام النبلا: ج ۲، ص ۴۳۶



#### نتیجه:

به این نتیجه رسیدیم که بهترین شاگرد پیامبر(ص) جناب امیرالمومنین علی بن ابی طالب بوده و میراثی که به جای گذاشته اند دست فرزندشان حضرت مهدی (عج) هست و ما از این نعمت ها محروم هستیم و به این در پایان پرداختیم که حدیث در مکتب خلفا بعد از ممنوعیت صد ساله نقل شده و امکان تحریف در آن زیاد است در صورتی که مکتب تشیع توسط بهترین شاگرد پیامبر خدا به فرزندان خودشان سینه به سینه رسیده و احادیث ناب محمدی را نقل کرده اند